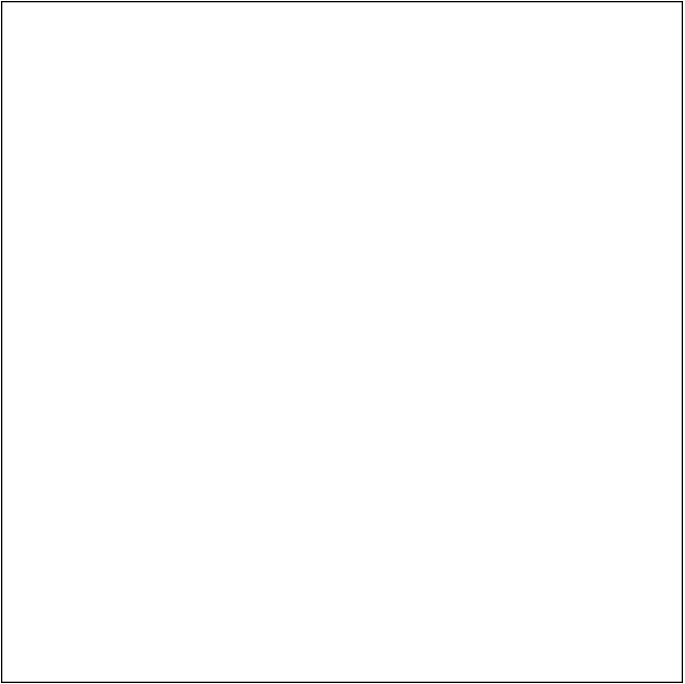


رفتی سر کار



✎ Espen Stranger-Johannessen
☑ Aakaneh
📧 Sam Saf
|| 2
😊 فارسی Fa



LIDA Stories

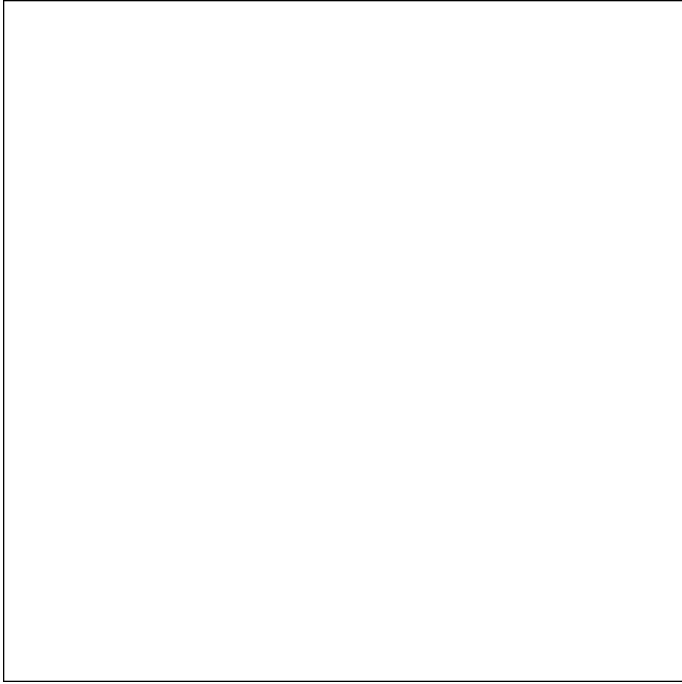
lidastories.net

رفتی سر کار

✎ Espen Stranger-Johannessen
☑ Aakaneh
📧 Sam Saf

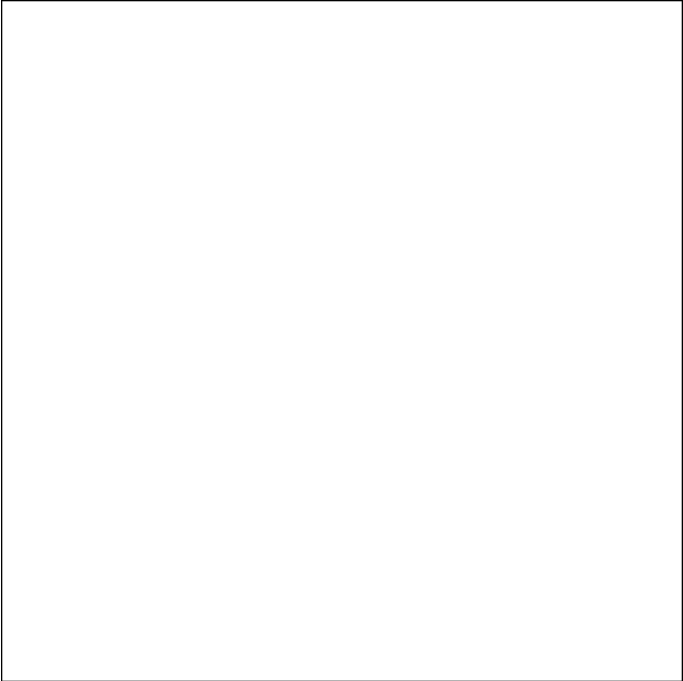


This work is licensed under a Creative Commons
[Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by-nc-sa/4.0).
<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-sa/4.0>



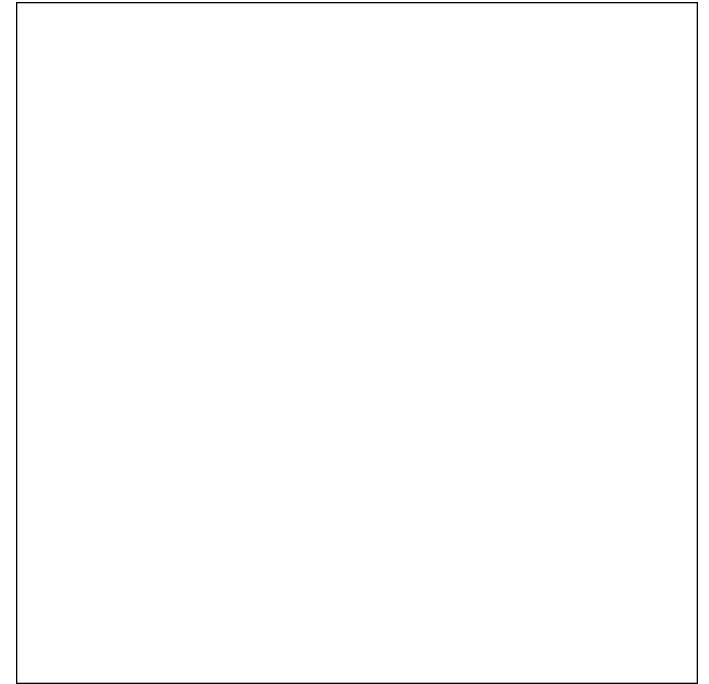
باعت زنگ میزنه. وقت بیدار شدن.

מפתח האותיות.



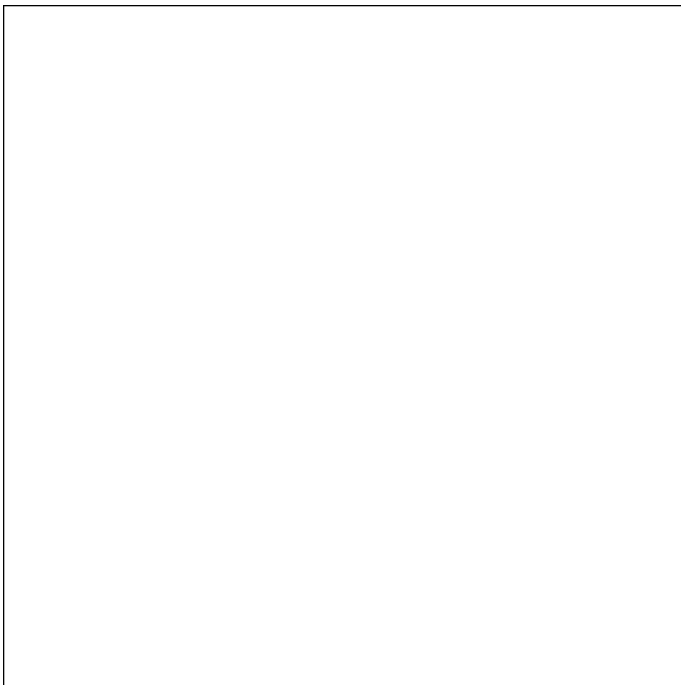


اون می ره دستشویی.

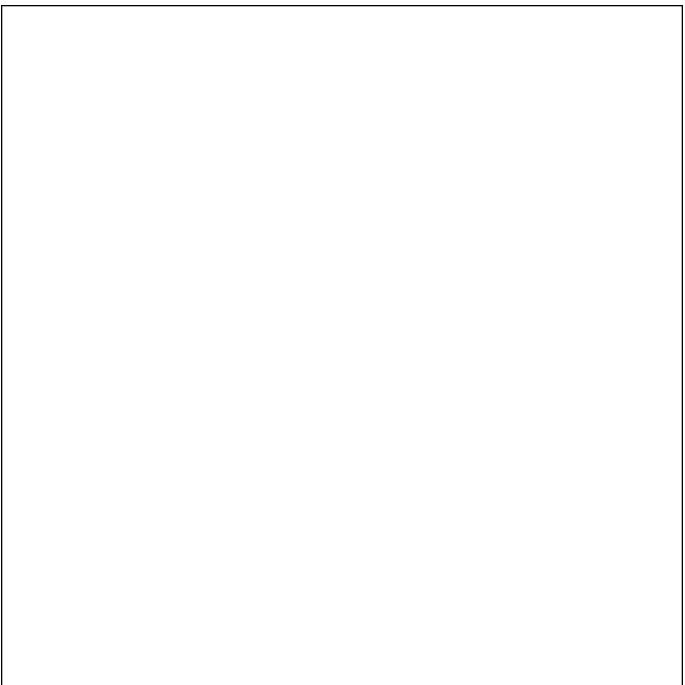


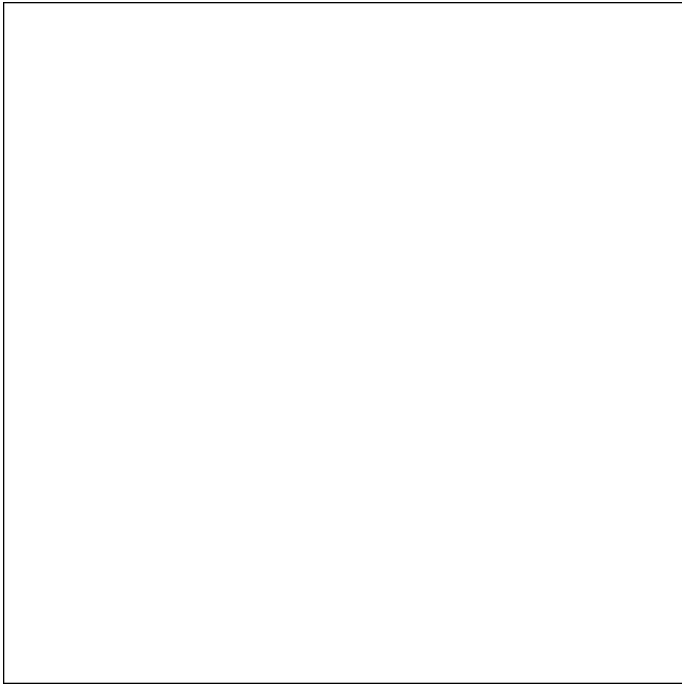
اون به محل گرش میرسه. اون توی یک
اداره گر می کنه.

۰۵ متره سرگره به سرگره
اون نچه به سرگره

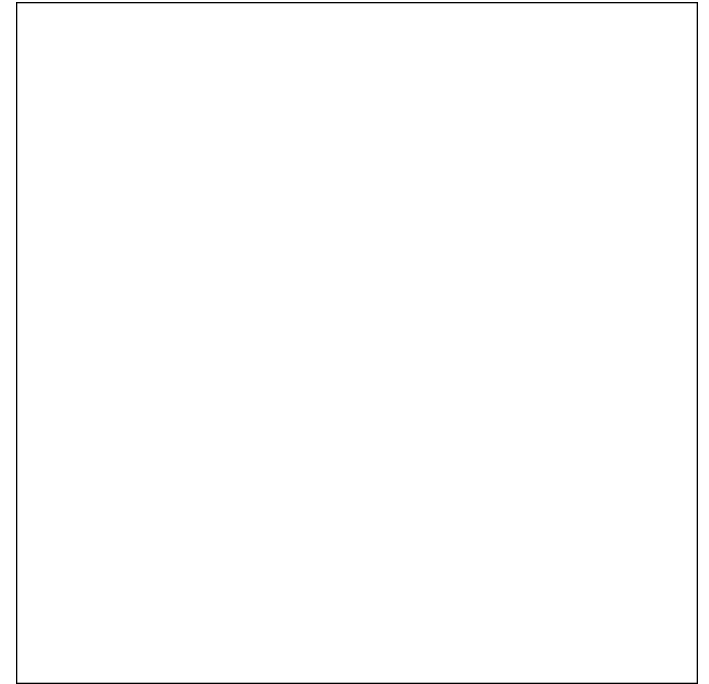


اون نچه به سرگره
اون نچه به سرگره



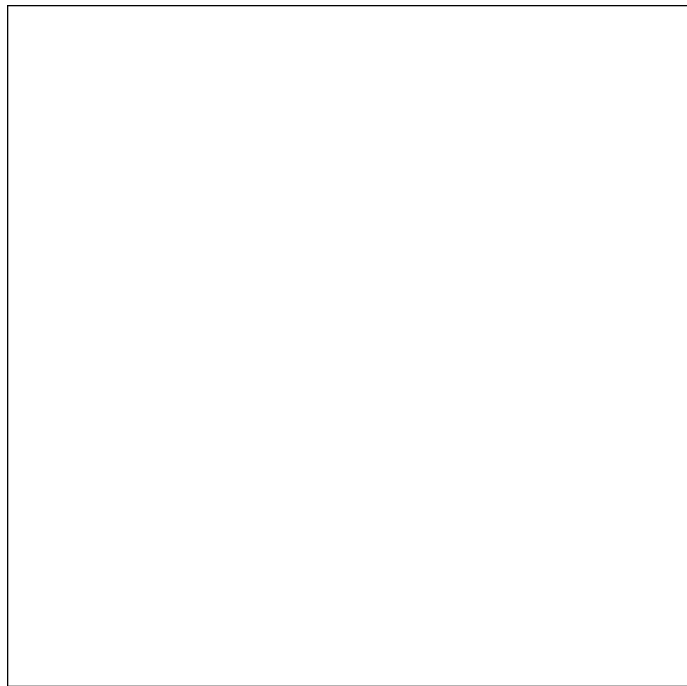


اون دهنشود آب می شوره.

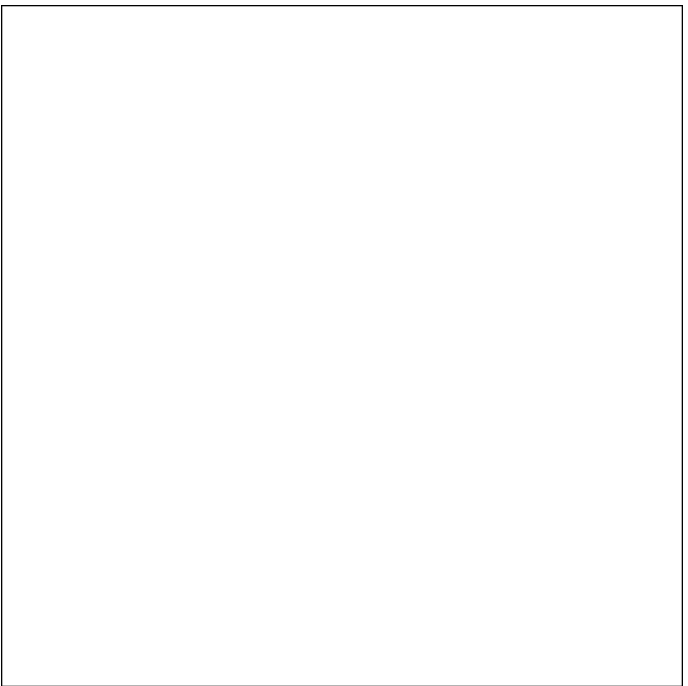


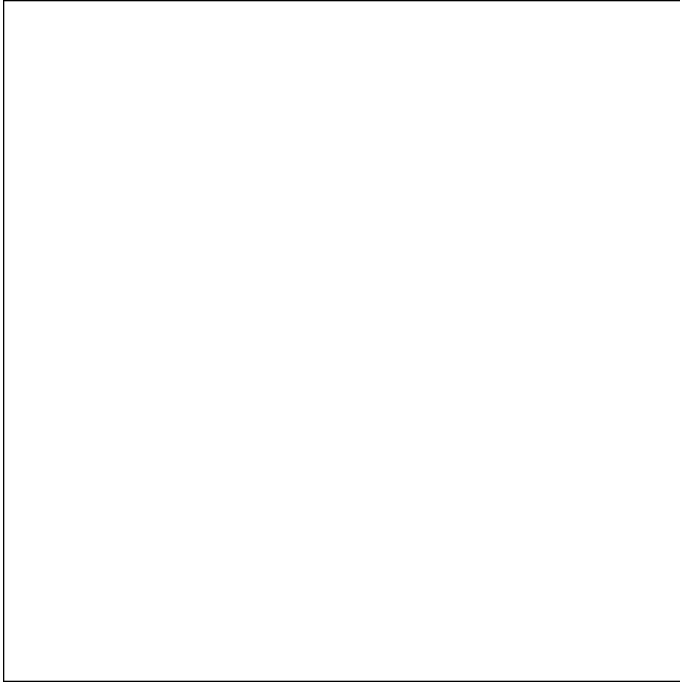
اون کیفش رو بر میداره و می ره سرگر.

۱۰. ایزوگن و ایزوگنیت

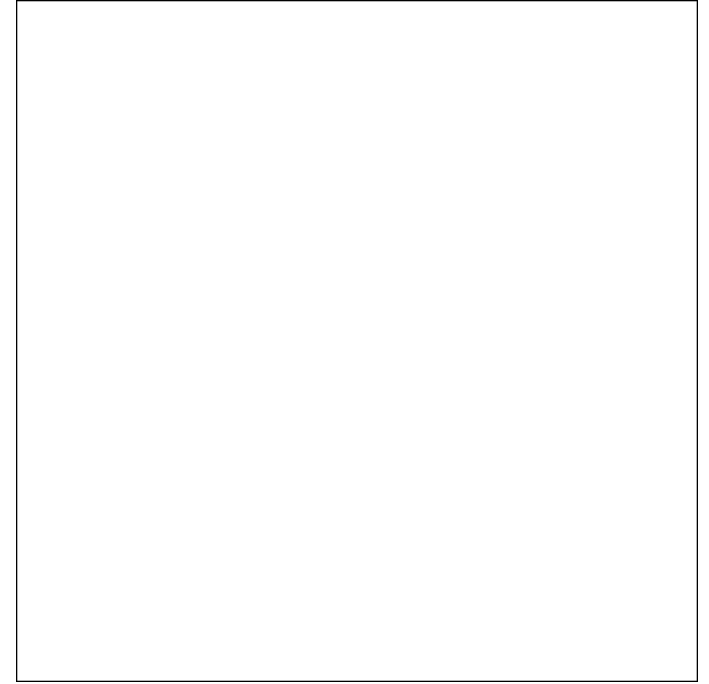


۷. ایزوگن و ایزوگنیت





اون خودش رو بـ حوله خشک می کنه.



اون لـبس می پوشه. اون یک دامن و بلوز
می پوشه.